****

**هیچ ورودی فهرست مطالب یافت نشد.**

**موضوع**: وقت نافله روز جمعه /اوقات رواتب /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

# اوقات رواتب

## مسأله سوم صاحب عروه (وقت نافله روز جمعه)

نافلة يوم الجمعة عشرون ركعة‌ و الأولى تفريقها بأن يأتي ستا عند انبساط الشمس و ستا عند ارتفاعها و ستا قبل الزوال و ركعتين عنده‌[[1]](#footnote-1)

بحث راجع به نوافل روز جمعه است:

### جواز تقدیم نافله روز جمعه بر زوال

**مشهور قائل** به جواز تقدیم آن بر زوال شده اند و این مطلب از روایات مختلفی استفاده شده است.**و صاحب عروه فرموده است:**

نافله روز جمعه بیست رکعت است که بهتر است به این نحو بخواند؛ شش رکعت را ابتدای طلوع آفتاب که خورشید بالای آسمان منبسط می شود بخواند و وقتی خورشید بالا می آید شش رکعت را بخواند و نزدیک زوال هم شش رکعت بخواند و هنگام زوال هم دو رکعت بخواند که مجموعاً بیست رکعت می شود. این که فرموده ستا قبل الزوال و رکعتین عند الزوال به این معنا است که نزدیکی های زوال شش رکعت و هنگام زوال دو رکعت بخواند.

#### أدله

**دلیل صاحب عروه برخی از روایات است:**

1-صحیحه بزنطی: وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع عَنِ التَّطَوُّعِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ- قَالَ سِتُّ رَكَعَاتٍ فِي صَدْرِ النَّهَارِ- وَ سِتُّ رَكَعَاتٍ قَبْلَ الزَّوَالِ- وَ رَكْعَتَانِ إِذَا زَالَتْ- وَ سِتُّ رَكَعَاتٍ بَعْدَ الْجُمُعَةِ- فَذَلِكَ عِشْرُونَ رَكْعَةً سِوَى الْفَرِيضَةِ[[2]](#footnote-2)

أصل جواز تقدیم بعض نوافل روز جمعه بر زوال از این روایت استفاده می شود ولی کیفیّتی که صاحب عروه فرمود از این روایت استفاده نمی شود زیرا می گوید: وَ سِتُّ رَكَعَاتٍ بَعْدَ الْجُمُعَةِ.

**تذکّر:** ما فعلاً مجموع روایات را که قدر مشترک آن این است که نوافل روز جمعه را ولو فی الجمله می توان قبل از زوال خواند، بیان می کنیم و در ضمن بررسی می کنیم که آیا کیفیّتی که صاحب عروه فرموده است از این روایات استفاده می شود یا نه.

**نکته:** با جمع بین روایات کیفیّت مخصوصی که در روایات ذکر شده است بر جواز و یا أفضلیّت حمل می شود و مشروعیت نافله روز جمعه مختص به این کیفیّت نیست و وجه این که بر جواز حمل شده است روایت بعدی است:

2-صحیحه علی بن یقطین: وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع عَنِ النَّافِلَةِ- الَّتِي تُصَلَّى يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَقْتَ الْفَرِيضَةِ- قَبْلَ الْجُمُعَةِ أَفْضَلُ أَوْ بَعْدَهَا- قَالَ قَبْلَ الصَّلَاةِ[[3]](#footnote-3)

نافله ای که در روز جمعه در وقت فریضه خوانده می شود قبل از نماز جمعه خوانده شود أفضل است. و از تعبیر به وقت فریضه فهمیده می شود که خواندن نافله در وقت فریضه مشروع است و لذا روایاتی که می گوید قبل از وقت فریضه یعنی قبل از زوال، نافله روز جمعه را بخوانید حمل بر رخصت می شود.

3-صحیحه سعد بن سعد الأشعری: وَ عَنْهُ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلَاةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ- كَمْ رَكْعَةً هِيَ قَبْلَ الزَّوَالِ- قَالَ سِتُّ رَكَعَاتٍ بُكْرَةً وَ سِتٌّ بَعْدَ ذَلِكَ- اثْنَتَا عَشْرَةَ رَكْعَةً- وَ سِتُّ رَكَعَاتٍ بَعْدَ ذَلِكَ- ثَمَانِيَ عَشْرَةَ رَكْعَةً- وَ رَكْعَتَانِ بَعْدَ الزَّوَالِ- فَهَذِهِ عِشْرُونَ رَكْعَةً- وَ رَكْعَتَانِ بَعْدَ الْعَصْرِ فَهَذِهِ ثِنْتَانِ وَ عِشْرُونَ رَكْعَةً[[4]](#footnote-4)

این روایت نافله روز جمعه را 22 رکعت می داند و أصل این که نافله روز جمعه قبل از زوال خوانده می شود از این روایت استفاده می شود هر چند کیفیّت صاحب عروه استفاده نمی شود و تنها می گوید شش رکعت را ابتدا ی روز و شش رکعت بعد از آن و شش رکعت دیگر بعد از آن خوانده می شود ولی زمان را دقیقاً مشخص نکرده است.

4-صحیحه سعید الأعرج یا سعد الأعرج: وَ عَنْهُ عَنِ الْحُسَيْنِ يَعْنِي ابْنَ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ سَعِيدٍ الْأَعْرَجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ صَلَاةِ النَّافِلَةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ- فَقَالَ سِتَّ عَشْرَةَ رَكْعَةً قَبْلَ الْعَصْرِ- ثُمَّ قَالَ وَ كَانَ عَلِيٌّ ع يَقُولُ مَا زَادَ فَهُوَ خَيْرٌ- وَ قَالَ إِنْ شَاءَ رَجُلٌ- أَنْ يَجْعَلَ مِنْهَا سِتَّ رَكَعَاتٍ فِي صَدْرِ النَّهَارِ- وَ سِتَّ رَكَعَاتٍ نِصْفَ النَّهَارِ- وَ يُصَلِّي الظُّهْرَ- وَ يُصَلِّي مَعَهَا أَرْبَعَةً ثُمَّ يُصَلِّي الْعَصْرَ[[5]](#footnote-5)

این روایت تعداد نافله را 15 رکعت بیان کرده است لذا در عدد و کیفیّت با نظر صاحب عروه فرق می کند. بله به لحاظ عدد با صحیحه بزنطی سازگار است ولی به لحاظ کیفیّت با آن سازگاری ندارد.

5- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: صَلَاةُ التَّطَوُّعِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ إِنْ شِئْتَ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ- وَ مَا تُرِيدُ أَنْ تُصَلِّيَهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ- فَإِنْ شِئْتَ عَجَّلْتَهُ فَصَلَّيْتَهُ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ- أَيَّ النَّهَارِ شِئْتَ قَبْلَ أَنْ تَزُولَ الشَّمْسُ.

**بررسی سند روایت پنجم**

نکته: مرحوم خویی به عبارتی در تهذیب استناد کرده است و گویا کتاب موسی بن بکر طبق شهادت صفوان مورد اتّفاق أصحاب است زیرا در روایت این گونه وارد شده است:

حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ قَالَ دَفَعَ إِلَيَّ صَفْوَانُ كِتَاباً لِمُوسَى بْنِ بَكْرٍ فَقَالَ لِي هَذَا سَمَاعِي مِنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ وَ قَرَأْتُهُ عَلَيْهِ فَإِذَا فِيهِ مُوسَى بْنُ بَكْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ هَذَا مِمَّا لَيْسَ فِيهِ اخْتِلَافٌ عِنْدَ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع أَنَّهُمَا سُئِلَا عَنِ امْرَأَةٍ...[[6]](#footnote-6)

مرحوم خویی فرموده اند که: قال هذا مما لیس فیه اختلاف عند أصحابنا: فاعل قال صفوان است که می گوید کتاب موسی بن بکر مورد اختلاف بین أصحاب نیست.

این مطلب خلاف ظاهر است و فاعل قال زراره است و هذا اشاره به حدیث دارد و زراره گفته است که این حدیث راجع به ارث مورد اتّفاق أصحاب است و شاهد این که این جمله به حدیث مربوط است و به کتاب موسی بن بکر نظر ندارد روایت دیگری است که تهذیب نقل می کند:

عَنْهُ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ قُلْتُ لِزُرَارَةَ إِنَّ بُكَيْرَ بْنَ أَعْيَنَ حَدَّثَنِي عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع أَنَّ السِّهَامَ لَا تَعُولُ قَالَ هَذَا مَا لَيْسَ فِيهِ اخْتِلَافٌ بَيْنَ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع.[[7]](#footnote-7)

که در این جا ابتدا حدیث را می آورد و بعد عبارت هذا ما لیس فی اختلاف را می آورد.

بله مرحوم خویی می گوید از این جهت که موسی بن بکر در تفسیر قمی وارد شده است قبول می کنیم. ولی ما این وجه را قبول نداریم و به نظر ما موسی بن بکر به این خاطر که از مشایخ صفوان است و شیخ طوسی گفته است لایروی و لایرسل إلا عن ثقه، قبول می کنیم.

**بررسی دلالت**

این روایت می گوید کل نوافل جمعه و تمام 22 رکعت را می توان قبل از زوال خواند لذا موافق با نظر صاحب عروه نیست.

نکته: خود لفظ عجّلته ممکن است ظهور داشته باشد که أفضل تأخیر است زیرا به معنای از وقت خودش جلوتر خواندن است. لذا أفضلیّت تقدیم از این روایت استفاده نمی شود أما این که أفضل این است که نوافل جمعه در وقت خودش خوانده شود ممکن است به عبارت إن شئت عجّلته تمسّک شود که تعجیل به معنای زودتر خواندن أمری قبل از وقت خودش است و نیز به روایت صحیحه علی بن یقطین می توان تمسّک کرد که سؤال می کند که نوافل وقت فریضه را بهتر این است که قبل از نماز جمعه بخوانی که در روایت نوافل را به نوافل وقت فریضه توقیت کرد.

#### نتیجه بحث از أدله جواز

ما دلیل واضحی بر کیفیّتی که صاحب عروه پیدا نکردیم جز این که مشهور به این مطلب قائل شده اند و فتوای مشهور موضوع تسامح در أدله سنن را محقّق می کند. البته این بحثی است که در اصول مطرح شده که آیا فتوای مشهور می تواند من بلغ را محقّق کند که گفتیم بعید نیست أخبار تسامح در أدله سنن شامل فتوای فقیه فضلاً از فتوای مشهور، بشود ولی أخبار تسامح در أدله سنن نمی تواند دلیل بر استحباب شود.

ما روایاتی که نگاه کردیم مؤیّدی برای فتوای مشهور پیدا نکردیم و صحیحه سعد بن سعد با کیفیّتی که صاحب عروه فرمود تفاوت داشت: در روایت تعبیر به بعد ذلک می کند و زمان را مشخص نمی کند و عدد نافله هم 22 می شود.

البته در مصباح المتهجّد رکعتان بعد العصر را ذکر نکرده است:

ثُمَّ تُصَلِّي نَوَافِلَ يَوْمِ الْجُمُعَةِ عَلَى مَا وَرَدَتْ بِهِ الرِّوَايَةُ عَنِ الرِّضَا ع أَنَّهُ قَالَ تُصَلِّي سِتَّ رَكَعَاتٍ بُكْرَةً وَ سِتَّ رَكَعَاتٍ بَعْدَهَا اثْنَتَا عَشْرَةَ وَ سِتَّ رَكَعَاتٍ بَعْدَ ذَلِكَ ثَمَانَ عَشْرَةَ وَ رَكْعَتَيْنِ عِنْدَ الزَّوَالِ وَ يَنْبَغِي أَنْ يَدْعُوَ بَيْنَ كُلِّ رَكْعَتَيْنِ بِالدُّعَاءِ الْمَرْوِيِّ ...[[8]](#footnote-8)

ولی ظاهراً سقط شده است زیرا بدون این دو رکعت، 22 رکعت کامل نمی شود. علاوه بر این که عدم ذکر با ذکر تعارض نمی کند و تعارض در صورتی است که ظاهر روایت این باشد که هر چه هست نقل می کند و بیش از این نیست. و در هر صورت از لحاظ کیفیّت، با کیفیّتی که صاحب عروه ذکر کرد مطابقت ندارد.

**نکته: (مراد از رکعتان عند الزوال)**

**مرحوم خویی فرموده اند:**

این که در روایت آمده است و رکعتان عند الزوال مراد عند الشک فی الزوال است و اگر زوال احراز شود تطوّع در وقت فریضه می شود که نهی دارد لذا اگر علم به دخول زوال وجود داشته باشد دیگر نباید نافله خواند و باید فریضه را مقدم کرد. زیرا صحیحه عبد الله بن سنان می گوید: وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَابْدَأْ بِالْمَكْتُوبَةِ.[[9]](#footnote-9) و صحیحه حریز می گوید: وَ عَنْ حَرِيزٍ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ أَمَّا أَنَا إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ- بَدَأْتُ بِالْفَرِيضَةِ وَ أَخَّرْتُ الرَّكْعَتَيْنِ إِذَا لَمْ أَكُنْ صَلَّيْتُهُمَا[[10]](#footnote-10). لذا معلوم می شود که مراد از رکعتان عند الزوال وقتی است که توقّع این است که زوال شمس شود ولی هنوز علم حاصل نکرده ایم.

**انصافاً این مطلب خلاف ظاهر است زیرا:**

صحیحه بزنطی تعبیر به رکعتان بعد الزوال کرد که قابل توجیه نیست و ظهور در این دارد که بعد از زوال نافله را بخواند و صحیحه سعد بن سعد هم و رکعتان اذا زالت داشت.

و لذا جمع عرفی اقتضا می کند که رکعتان بعد از زوال جواز را می گوید ولی أئمه فرموده اند که أفضل تقدیم فریضه است و نهایت این است که تعارض رخ می دهد. یعنی یا باید رکعتان بعد الزوال و رکعتان اذا زالت را حمل بر رخصت کنیم و یا قائل به تعارض شویم و به اطلاقات رجوع کنیم و این وجهی که مرحوم خویی فرموده اند عرفی نیست.

بله با صحیحه علی بن یقطین منافات ندارد که می گوید سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع عَنِ النَّافِلَةِ- الَّتِي تُصَلَّى يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَقْتَ الْفَرِيضَةِ- قَبْلَ الْجُمُعَةِ أَفْضَلُ أَوْ بَعْدَهَا- قَالَ قَبْلَ الصَّلَاةِ.[[11]](#footnote-11) که قابل حمل بر این است که قبل از این که زوال بشود بخوان، مقارن با دخول وقت فریضه و حوالی اذان ظهر نافله را بخوان تا اول زوال فریضه را بخوانی لذا تصلی یوم الجمعه وقت الفریضه به معنای قریب وقت الفریضه می شود و قابل حمل است ولی عرض من این است که مرحوم خویی با رکعتان بعد الزوال که در صحیحه بزنطی بود یا با رکعتان اذا زالت چه می کند و در جمعی که ایشان کرده اند جمیع روایات لحاظ نشده است.

## مسأله چهارم (وقت نافله مغرب)

مشهور گفته اند بعد از ذهاب حمره مغربیه وقت نافله مغرب می گذرد و باید نماز عشاء خوانده شود.

ولی مرحوم خویی قبول نکرده اند و فرموده اند دلیلی بر این مطلب نداریم و همان طور که شهید در ذکری و صاحب مدارک و کاشف اللثام گفته اند نافله مغرب تا نیمه شب ادامه دارد.

صاحب جواهر فرموده است: حق با مشهور است و نافله مغرب تنها تا ذهاب حمره مغربیه ادامه دارد؛

#### دلیل أول

پیغمبر و ائمه علیهم السلام نافله مغرب را بعد از ذهاب حمره مغربیه نمی خواندند.

##### مناقشه

جواب داده شده که این دلیل تنها أفضلیّت خواندن نافله مغرب قبل از ذهاب حمره مغربیه را می رساند و دلیل بر عدم مشروعیت بعد از ذهاب حمره نیست.

#### دلیل دوم

اتیان به نافله مغرب انصراف به این دارد که بعد از نماز مغرب باشد نه این که با فاصله زیاد باشد.

##### مناقشه

جواب این است که انصراف ندارد و چه بسا نماز مغرب را نزدیک سقوط حمره می خواند و نافله مغرب را هم بعد از آن می خواند. و علاوه بر این که بین نماز مغرب و نافله مغرب موالات شرط نیست و روایاتی که بر نافله مغرب تأکید می کنند اطلاق دارند.

1. [العروة الوثقی، سید محمد کاظم یزدی، ج1، ص524.](http://lib.eshia.ir/10028/1/524/%DB%8C%D9%88%D9%85%20%D8%A7%D9%84%D8%AC%D9%85%D8%B9%D9%87) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج7، ص323، أبواب صلاة الجمعه، باب11، ح6، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/7/323/%D8%A7%D9%84%D8%AA%D8%B7%D9%88%D9%91%D8%B9) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج7، ص322، أبواب صلاة الجمعه، باب11، ح3، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/7/322/%D8%A3%D9%81%D8%B6%D9%84) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج7، ص323، أبواب صلاة الجمعه، باب11، ح5، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/7/323/%D8%A8%DA%A9%D8%B1%D8%A9) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج7، ص323، أبواب صلاة الجمعه، باب11، ح7، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/7/323/%D9%85%D8%A7%20%D8%B2%D8%A7%D8%AF) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج26، ص132، أبواب میراث أبوین و أولاد، باب18، ح3، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/26/132/%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%84%D8%A7%D9%81) [↑](#footnote-ref-6)
7. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج26، ص72، أبواب موجبات ارث، باب6، ح3، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/26/72/%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%84%D8%A7%D9%81) [↑](#footnote-ref-7)
8. [مصباح المتهجد، شیخ طوسی، ج1، ص347.](http://lib.eshia.ir/10267/1/347/%D8%A8%DA%A9%D8%B1%D8%A9) [↑](#footnote-ref-8)
9. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج7، ص319، أبواب صلاة الجمعه، باب8، ح15، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/7/319/%D8%A7%D9%84%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%D8%A9) [↑](#footnote-ref-9)
10. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج7، ص320، أبواب صلاة الجمعه، باب8، ح20، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/7/320/%D8%A8%D8%AF%D8%A3%D8%AA) [↑](#footnote-ref-10)
11. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج7، ص322، أبواب صلاة الجمعه، باب11، ح3، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/7/322/%D8%A3%D9%81%D8%B6%D9%84) [↑](#footnote-ref-11)